

اکو، اومبرتو، ۱۹۳۲ - م
اسطوره سوپرمین و چند مقاله دیگر / اومبرتو اکو؛ ترجمه خجسته کیهان. -
تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.
۱۵۹ ص.

ISBN 964-311-595-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. مقاله های ایتالیایی - قرن ۲۰ م. ۲. سوپرمین (شخصیت داستانی). الف.
خجسته، کیهان، ۱۳۲۷ - ، مترجم. ب. عنوان.
۴۶ الف ۷ ک / PQ ۴۸۶۲ ۸۵۴/۹۲
۱۳۸۴

۹۳۴۳-۸۴م

کتابخانه ملی ایران

اسطوره سوپرمن

و چند مقاله دیگر

اومبرتو اکو

ترجمه خجسته کیهان





انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۶۴۰۸۶۴۰

اومبرتو اکو

اسطوره سوپرمین و چند مقاله دیگر

ترجمه نجسته کیهان

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۸۴

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: X-۵۹۵-۳۱۱-۹۶۴

ISBN: 964-311-595-X

Printed in Iran

فهرست

۷	یادداشت مترجم.....
۱۱	پیشگفتار.....
۱۷	اسطوره سوپرمن.....
۵۷	تصادف و توطئه.....
۸۵	توماسِ قدیس و بازاندیشیِ مذهبِ کاتولیک.....
۹۹	زبان، قدرت، خشونت.....
۱۱۷	فاشیسمِ ابدی.....
۱۳۹	ناپردباری و تعاریف آن.....
۱۴۷	برج‌های تنهایی.....

یادداشت مترجم

اومبرتو اکو نشانه‌شناس، فیلسوف و کارشناس سده‌های میانه اروپا که بیشتر به خاطر رمان‌هایش (از جمله نام گل سرخ و آونگ فوکو) و مقالاتی که در روزنامه‌های پرخواننده ایتالیا، از جمله کوریه دلا سرا، می‌نویسد مشهور شده است، آثاری در نقد هنری، ادبی، اجتماعی و سیاسی دارد که در کنار کتاب‌های علمی‌اش، کم‌تر شناخته شده‌اند. در این مجموعه کوشیده‌ام با گزینش مقالاتی در زمینه‌های گوناگون، خوانندگان را با این شخصیت مهم معاصر غرب بیش‌تر آشنا کنم.

از جمله زمینه‌هایی که اکو به آن توجه دارد، فرهنگ عامه و نبرد میان این فرهنگ با فرهنگ نخبه‌گراست. او در آثار متعدد همراه با تحلیل این نبرد، آثار عامه‌پسند را از دیدگاهی تازه رمزگشایی می‌کند و سپس به خرده‌فرهنگ‌ها از جمله هنر پاپ آمریکا می‌پردازد. از دیگر پدیده‌هایی که نظر اکو را جلب کرده، ماجراهای سوپرمن است که ابتدا در کتاب‌های مصور و سپس در سینما مطرح شده است. او در کتابی با عنوان از سوپرمن تا ابرمرد، تحلیل تازه‌ای از پدیده سوپرمن و محبوبیت آن به دست می‌دهد و

سپس به رمان‌های محبوب و پرطرفدار قدیمی مانند آرسن لوپن و شیخ اُبرا می‌پردازد.

مقاله بلند «اسطوره سوپرمین» را از این مجموعه انتخاب کرده‌ام. اکو کتاب اثر گشوده را به تحلیل هنر به مثابه کنش ارتباطی میان انسان‌ها اختصاص داده است. پاریسون، استاد اکو، ابتدا ارتباط هنر را با فرم و عوامل تاریخی، اجتماعی و فلسفی که هنرمند را در رسیدن به فرم موردنظر یاری می‌بخشند، مورد توجه قرار داده بود. از منظر پاریسون، تفسیر هر اثر مستلزم درک موقعیت تاریخی-اجتماعی آفرینش آن است. اکو نیز در اثر گشوده پس از پرداختن به جنبه‌های فکری و پارادیم‌های زندگی امروز، به فرایند دوجانبه میان هنرمند و مخاطب توجه می‌کند. این کتاب که در اوایل دهه ۱۹۶۰ نوشته شده بیانگر مواضع نوین اکو در تفسیر آثار هنری، جهت‌یابی تازه و مردود شمردن نقد سنتی است. از این کتاب نیز مقاله «تصادف و توطئه، تجربه تلویزیون و زیبایی‌شناسی» را برای انتشار در این مجموعه برگزیده‌ام.

اومبرتو اکو در آخرین کتابش تاریخ زیبایی به زیبایی‌شناسی پرداخته است. اکو در رساله دکترایش در سال ۱۹۵۴، همین حوزه را در آثار توماس آکویناس مورد تحلیل قرار داده است. از دیدگاه اکو زیبایی در آثار آکویناس مولود نیرویی فراانسانی است و از تناسب و کمال تشکیل شده است. البته اکو به زیبایی در جهان مدرن نیز می‌پردازد و تحلیل‌های تازه‌ای ارائه می‌کند. از میان مقالاتش در باره دیدگاه‌های آکویناس، مقاله «توماس قدیس و بازانديشي مذهب کاتولیک» را در این مجموعه خواهید خواند. اکو در مقاله «زبان، قدرت، خشونت»، در کتاب جنگ بدلی‌ها، به نقد نظرات رولان بارت و میشل فوکو پرداخته است. این دو اندیشمند

فرانسوی، به ویژه رولان بارت، ابتدا تحت تأثیر ساختارگرایان و به پیروی از سوسور اساس زبان‌شناسی را در تحلیل‌های هنری مدنظر قرار می‌دادند، حال آن‌که اگر از نظرات لوی اشتراس در ساختارگرایی انتقاد می‌کرد. دیدگاه‌های فردینان دو سوسور نیز که اصول ساختارگرایی خود را بر قوانین زبان‌شناسی استوار کرده بود، مورد انتقاد اکو بود. باید توجه داشت که ابعاد پراگماتیک و کاربردی برای اکو از اهمیت بیشتری برخوردار است، در حالی که از نیرو و منطقی نمادها نیز غافل نمی‌ماند. از این رو بر این باور بود که ساختارگرایان فرانسوی با اساس قرار دادن زبان‌شناسی و توجه محض به محورهای معناشناسی و نحو، از اهمیت زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی غافل مانده‌اند.

دو مقاله «فاشیسم ابدی» و «نابرداری و تعاریف آن» که پیش‌تر به حوزه‌های اجتماعی و سیاسی می‌پردازند نیز معرف دیدگاه‌های اکو در این زمینه‌هاست که در اولی به تعریف فاشیسم و چگونگی جنبش فاشیستی ایتالیا پرداخته و در دومی نابرداری را در گروه‌های اجتماعی ریشه‌یابی کرده است. اکو در مقاله «برج‌های تنهایی» گوشه‌ای از فرهنگ مردم آمریکا را هویدا می‌سازد. این مقاله نیز از کتاب جنگ جهانی‌ها برگرفته شده است.

اومبرتو اکو با پرهیز از گرویدن به نظریه‌پردازی‌های رایج زمانه همواره واقعیت پدیده‌ها را مدنظر داشته و به دنبال یافتن راه‌هایی برای تحلیل نشانه‌های فرهنگی، هنری، ادبی و اجتماعی بوده و در کتاب‌ها و مقاله‌های گوناگون به رمزگشایی از آن پرداخته است. اگرچه این اندیشمند نام‌آور شهرت جهانی خود را مدیونِ رمان‌هایش نام گل سرخ و آونگ فوکو است و آثار علمی او از اقبال کم‌تری برخوردارند، باید در نظر داشت که

رمان‌های مزبور با کاربرد نظریاتی همراه است که اکو طی سال‌ها مطالعه متون سده‌های میانه و سپس تحلیل و رمزگشایی از آثار هنری و نمودهای فرهنگی، ادبی و اجتماعی مدرن به آن رسیده است.

آیا می‌توان گفت که او بر تو اکو چگونگی پیوند مرموز و ناپیدایی را که گمان می‌رود میان پدیده‌های جهان وجود دارد، دریافته و در آثار خود گوشه‌ای از «نشانه»های آن را می‌نمایاند؟ و آیا چنین اندیشه‌ای یادآور نظرات فیزیکدانان مدرن نیست که در مورد پدیده‌های جوی می‌گویند پیوند میان این پدیده‌ها چنان است که لرزش کوچکی به شدت حرکت بال پروانه در یک نقطه می‌تواند به طوفان سهمگینی در نقطه‌ای دوردست منتهی شود؟

پیشگفتار

مقاله‌های برگزیده در این کتاب^۱ را طی چند سال برای روزنامه‌ها و مجلات مختلف (و بعضی از ماهنامه‌های غیر تخصصی) نوشته‌ام. برای نقد مسائل اجتماعی روشی وجود دارد که چندان بازدارنده نیست: می‌توان بر اثر یک احساس یا در پی یک رویداد، افکار خود را روی کاغذ آورد، به این امید که خواننده و سپس فراموش شوند. گمان نمی‌کنم میان آنچه در کتاب‌های تخصصی و در مقالاتی که در نشریات می‌نویسم، اختلافی وجود داشته باشد. البته در لحن تفاوت‌هایی هست، زیرا بر اثر خواندن گزارش وقایع در روزنامه‌ها، از گفتارهای سیاسی گرفته تا مسابقات ورزشی، یا دیدن خرابکاری تروریست‌ها در تلویزیون، در آغاز کار توسل به فرضیه‌های تئوریک برای تحلیل نمونه‌هایی از رویدادهایی عینی ضرورتی ندارد، بلکه نویسنده رویدادی را نقل می‌کند و بی آن‌که ناچار باشد به نظریات قطعی برسد، آن را می‌شکافد. یا این‌که تفاوت این

۱. این پیشگفتار از کتاب جنگِ بدلی‌ها که بیش‌تر مقالات کتاب حاضر از آن انتخاب شده، ترجمه شده است. - م.

دو نوع نوشتن در آن است که در یک کتاب تئوریک، فرضیه‌ها از این رو مطرح می‌شوند که بتوان در مواجهه با وقایع عینی، آن‌ها را اثبات کرد. حال آن‌که در یک مقاله ژورنالیستی می‌توان از رویدادها آغاز کرد و به فرضیه رسید، اما لزومی ندارد که فرضیه‌های مزبور را به قانون تبدیل کنیم: می‌توانیم آن‌ها را پیشنهاد کرده، ارزیابی را به خواننده واگذاریم. اما شاید این به خاصیت موقتی بودن اندیشه فرضیه‌ای مربوط باشد و من در این جا تعریف دیگری از آن را به دست داده‌ام. پی‌یرس (Pierce) می‌گفت پیش از هر کشف فلسفی یا علمی مرحله «غوطه خوردن در بازی فکری» وجود دارد: گونه‌ای گشت و گذار در عالم اندیشه، گردآمدن پرسش‌هایی در برابر رویدادهایی خاص، کوششی برای یافتن چند راه‌حل.

در گذشته این بازی به طور خصوصی انجام می‌گرفت و در نامه‌های شخصی یا دفترهای یادداشت روزانه مطرح می‌گشت. امروز روزنامه‌ها به دفتر یادداشت روشن‌فکران تبدیل شده‌اند و به آن‌ها مجال می‌دهند نامه‌های شخصی خود را برای عموم منتشر کنند، آنچه ترس از اشتباه را زایل می‌کند نه در راز ارتباطات، بلکه در انتشار نهفته است.

غالباً از خودم می‌پرسم که آیا می‌کوشم تا ایده‌هایی را که در کتاب‌های شخصی‌ام می‌پرورانم، در مقالات ژورنالیستی به زبان ساده و همه‌فهم درآورم یا آن‌ها را با رویدادهای عینی بسنجم، یا این‌که عکس این کار را انجام می‌دهم. اما بر این باورم که بسیاری از تئوری‌های مورد بحثم در کتاب‌هایم در باره زیبایی‌شناسی، نشانه‌شناسی یا رسانه‌های ارتباطی، رفته رفته بر اساس دقت در رویدادهای خبری ساخته و پرداخته شده‌اند.

مقاله‌های این کتاب همگی حولِ گفتمان‌هایی نه لزوماً بیانی و نه لزوماً

گفته یا درک شده چنان که در این جا هست، نوشته شده‌اند. سعی کرده‌ام آنچه را که رولاند بارت «سلیقه نشانه‌شناسانه» می‌نامید، در این جا عملی کنم؛ منظور توانایی رایجی است که بر اثر آن می‌توان در جاهایی که ظاهراً فقط وقایع عینی مشاهده می‌شوند مفهومی یافت، در جاهایی که فقط ژست‌ها یا حرکاتی به چشم می‌خورند، پیامی خواند، و در مواجهه با آنچه ساده‌تر است شیشی بنامیم، نشانه‌هایی پیش‌بینی کرد. با این حال مایل نیستم که این مقالات به مثابه تمرین‌هایی در نشانه‌شناسی خوانده شوند، زیرا امروز به ویژه در فرانسه، در این زمینه با هرج و مرج و کج‌فهمی‌هایی روبرو هستیم و در یک کلام، نمی‌خواهم وضع از این که هست بدتر بشود. آنچه را نشانه‌شناسی می‌نامم در کتاب‌های دیگری شرح داده‌ام. البته یک نشانه‌شناس هنگام نوشتن برای روزنامه‌ها، از نگاه خبره خود سود می‌جوید، اما جز این نباید چیز دیگری در آن‌ها جست. از سوی دیگر باید اضافه کنیم که این مقالات را بر اثر وظیفه سیاسی خود نوشته‌ام.

از نظر من وظیفه سیاسی عبارت است از دعوت خوانندگان به رویکردی تردیدآمیز در برابر گفتمان‌هایی که به طور روزانه با آن روبرو می‌شوند، البته نشانه‌شناسان حرفه‌ای بسیار خوب از عهده بیان چگونگی این رویکرد برمی‌آیند، اما اتخاذ آن نیازمند کارشناسی علمی نیست. به کوتاه سخن هنگام نوشتن این مقالات همواره خود را مانند یک کارشناس در آناتومی تطبیقی یافته‌ام که البته ساختار موجودات زنده را به صورت تکنیکی مطالعه و گزارش می‌کند، اما در مقالات ژورنالیستی نمی‌خواهد پیش‌فرض‌ها و نتیجه‌گیری‌های پژوهشی خود را مطرح کند، بلکه مثلاً به این اکتفا می‌کند که پیشنهاد کند بهتر است هر روز صبح طی چند حرکت

گردن ابتدا سر را بیست بار از راست به چپ و بعد از چپ به راست بچرخانیم تا از بیماری آرتروز گردن پیشگیری کنیم. انگیزه از نوشتن گزارشات اجتماعی‌ای که خوانندگان مشاهده می‌کنند این نیست که هر خواننده کارشناس آناتومی بشود، بلکه دست کم به گونه‌ای آگاهی انتقادی نسبت به حرکات عضلانی خود دست یابد.

از فعالیت سیاسی سخن گفتم. می‌دانیم که روشنفکران می‌توانند به طرق مختلف دست به اقدام سیاسی بزنند، اگرچه بعضی از آنان با دلسردی چنین روش‌هایی را به زیر سؤال برده‌اند. اما از دوران سوفسطائیان و از زمان سقراط و افلاطون، روشنفکران از طریق سخن به سیاست پرداخته‌اند. نمی‌گویم که این تنها راه است، اما برای نویسنده، برای پژوهشگر یا برای اهل علم، طریق اصلی همان سخن است و از آن گریزی نیست. به همین ترتیب، گفتگو از خیانت روشنفکران نیز شکلی از تعهد سیاسی را می‌نمایاند. بنابراین وقتی برای روزنامه‌ای مقاله می‌نویسم، به اقدامی سیاسی دست می‌زنم، و نه فقط هنگامی که از چپ‌های افراطیِ بریگاد سرخ سخن می‌گویم، بلکه همچنین وقتی در بارهٔ موزهٔ مجسمه‌های مومی می‌نویسم.

این با آنچه قبلاً گفتم - این که در گفتمان ژورنالیستی نسبت به نوشته‌های علمی مسئولیت از این جهت کم‌تر است که می‌توان فرضیه‌های موقتی را مطرح کرد - در تضاد نیست. برعکس، در معرض خطر داوری‌های فوری قرار گرفتن و سخن گفتن هرگاه که وظیفهٔ اخلاقی ایجاب می‌کند، و نه هنگام رسیدن به یقین نظری «درست گفتن»، نیز گونه‌ای اقدام در زمینهٔ سیاسی است.

ولی شاید من به دلیل دیگری نیز با روزنامه‌ها همکاری می‌کنم.

به علت احساس ناامنی، نه تنها همیشه از این که اشتباه کرده باشیم واهمه دارم، بلکه از این نیز می ترسم که حق با کسی باشد که با من مخالفت می کند. در مورد کتاب های علمی وضع متفاوت است و شاید تنها زمان نادرستی آن را بنمایاند: باید هنگام هر انتشار مجدد، دست به تغییراتی زد و مطالب را به روز کرد تا پختگی تدریجی و پرزحمت اندیشه مشاهده شود و باید در سکوت انتظار کشید تا شاید حقیقت ناگهان آشکار گردد. به این خاطر است که تدریس را دوست دارم و مایلم ایده هایی که هنوز به کمال نرسیده اند را به نمایش بگذارم و به واکنش دانشجویان گوش فرا دهم. به همین دلیل نیز برای روزنامه ها می نویسم: برای این که بتوانم فردایش مطلب خود و سپس واکنش های دیگران را بخوانم. بازی دشواری است، زیرا این درست نیست که همیشه در برابر پذیرش از سوی دیگران اطمینان حاصل کنیم، یا با شنیدن نظر مخالف دچار تردید شویم. گاه باید عکس آن عمل کرد: از نظرات موافق برحذر بود و در مخالفت ها، صحنه گذاری بر الهامات درونی خود را جستجو کرد. قانونی وجود ندارد: تنها باید خطر مخالف خوانی را پذیرا بود.

در این مجموعه با گفتمان هایی روبرو می شویم که گفتمان های دیگری را پنهان می کنند. گفتمان هایی که ظاهراً به A اشاره می کنند، اما در واقع منظورشان B است یا گفتمان هایی که تصور می شود از A سخن می گویند، اما باید به صورت B تفسیر شوند؛ یا گفتمان هایی که گمان می رود چیزی می گویند، ولی در واقع بی ربطی، تضاد یا ناممکن بودن خود را پنهان می کنند.

اگر این مقالات چیزهایی را برای خوانندگان فاش می کنند، نباید پشت گفتمان ها به دنبال چیزها گشت، بلکه بهتر است پشت چیزها در

جستجوی گفتمان باشیم. به همین خاطر انتشار آن‌ها در نشریات انتخاب درستی بوده است: انتقاد از رسانه‌ها از طریق همان رسانه‌ها یک گزینه سیاسی است. در جهان مشاهده از طریق رسانه‌های جمعی شاید این تنها گزینه آزادی باشد که برای ما باقی مانده است.

اومبرتو اکو